دوفصلنامه علمی- ترویجی پژوهش هنر
سال هفتم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۴
پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۲/۲۴

مطالعه تطبیقی پوشش زنان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوره صفویه*

منصور ولی قوجق** حسین مهرپویا***

چکیده

یکی از حوادث تاریخی که در دوره صفویه نمود بیشتری داشت و تأثیر بسیاری بر پوشاک صفویه گذاشت ورود اروپائیان به ایران بود که با نوشتن سفرنامه‌ها ، بخشی از تاریخ مکتوب صفویه را رقم زدند . برای بررسی پوشش زنان صفویه ، علاوه بر سفرنامه‌ها ، از نقاشی ها آن دوران نیز می‌توان استفاده کرد.

در این مقاله سعی شده با مطالعه تطبیقی به چگونگی انعکاس مطالب و تصاویر پوشش زنان صفویه در سفرنامه ها و نگاره‌های دوره صفویه پرداخته شود . به همین منظور مهم‌ترین سفرنامه‌های نوشته شده در دوره‌صفویه‌در مورد پوشش زنان مورد مطالعه قرارگرفته و مطالب آن با نگاره‌های دوره‌ی صفویه به صورت تطبیقی بررسی شده است ، این مقاله از نوع نظری می‌باشد و با روش تطبیقی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و بررسی مطالب سفرنامه ها و نگاره‌ها درصدد پاسخگویی به این پرسش‌ها می‌باشد : به چه صورت پوشش زنان دوره صفویه در سفرنامه‌ها و نگاره‌های این دوران انعکاس یافته و تا چه حد بر یکدیگر منطبق است؟ برای بررسی پوشش زنان دوره صفویه چرا سفرنامه‌ها به همراه نگاره‌ها باید مورد استفاده قرار گیرد؟

از دلایل استفاده از سفرنامه ها به همراه نگاره ها ، کمبود تن‌پوش‌هاي زنان به دلایلی مانند فرسوده شدن ابریشم‌ها و پنبه‌های بکار رفته در آن‌ها ، تغییر و تحول در پوشش زنان به دلیل ورود فرهنگ غربی و غیره می‌باشد . دستاوردهای پژوهش بیانگر آن است که مطالب سفرنامه‌ها در برخی موارد به دلایلی مانند تغییر و تحول پوشاک صفویه قابل اطمینان نیستند ؛ مثلاً قبای بانوان در تصاویر سفرنامه‌ها تا ساق پای آن‌ها می‌رسید ، اما در برخی از نگاره ها می‌بینیم که قبا بسیار کوتاه تر شده و تا بالای زانو رسیده است . چنین اتفاقی در طراحی کفش‌های راحتی زنان نیز افتاده است ، به همین دلیل مطالب سفرنامه‌ها به‌تنهایی برای بررسی پوشش زنان صفویه کافی نیستند ، بلکه در کنار نگاره‌ها می‌توانند اسنادی معتبر تلقی شوند.

واژه‌های کلیدی: نگارگری صفویه ، نگاره‌ها ، سفرنامه‌ها ، پوشش زنان

---

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد منصور ولی قوجق با عنوان "بررسی ویژگي‌های تن‌پوش‌ها در سفرنامه‌ها و نگاره‌های مکتب اصفهان" به راهنمایی دکتر حسین مهرپویا در دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد .

** کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان. (نویسنده مسئول)
mansourghojogh@yahoo.com

*** استادیار ، دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان ، زاهدان.

مقدمه

هر کشوری برای خود آداب ، رسوم ، سنن و در مجموع فرهنگ خاصی دارد و برای حفظ آن ها تلاش می کند . بدیهی است که پوشاک با توجه به خصوصیات و ویژگی هایی که دارد یکی از نمونه های عینی و مجسم فرهنگ هر جامعه است و به عبارت دیگر همواره بخشی از فرهنگ هر جامعه در پوشش مردم آن جامعه متجلی می‌شود . یکی از برجسته ترین عوامل تغییر و تحول پوشاک مردم ، التقاط و برخورد فرهنگ ها می‌باشد که بر اساس عواملی چون جنگ‌ها ، ارتباطات مرزی، وصلت‌های قومی ، مراوده‌های فرهنگی ، سیاسی و ... شکل می گیرد .

در عصر صفویه ، رفت و آمد های گروه‌های مختلف اروپاییان به ایران ، موجب گردید که تعداد بسیاری سفرنامه توسط این گروه ها نوشته و به یادگار بماند که یکی از راه های بررسی پوشش زنان می‌باشد ، از جمله دیگر منابع بررسی پوشش زنان صفویه ، می‌توان به نگاره ها و نقاشی های باقیمانده از این دوران اشاره کرد که مي تواند مکمل مناسبی برای دست یابی به آداب و سنن پوشاک بانوان صفویه در کنار گزارش های سفرنامه نویسان باشد .

یکی از اهداف کلی این پژوهش دستیابی به اسنادی معتبر و قابل استناد در بررسی پوشش زنان دوره صفویه است که جهت رسیدن به این هدف پاسخ به این پرسش‌ها الزامی است : به چه صورت پوشش زنان دوره صفویه در سفرنامه‌ها و نگاره های این دوران انعکاس یافته و تا چه حد بر یکدیگر منطبق است ؟ برای بررسی پوشش زنان دوره صفویه چرا سفرنامه‌ها به همراه نگاره‌ها باید مورد استفاده قرار گیرد ؟

از آنجایی که این سفرنامه‌ها توسط اروپائیان نوشته شده و آمیخته با ذهنیت آنان می‌باشد ، باید از جهت قابل اعتماد بودن نیز بررسی شوند ؛ چون برداشت یک شخص بیگانه از جامعه ای که مدت محدود و معینی در آن حضور داشته، برداشت ناقصی است . این نقص در مواردی که شخص پیش‌زمینه ای از جامعه مقصد نداشته است ، بیشتر آشکار می‌شود و همین امر باعث می‌شود که در محتوای سفرنامه‌ها به دیده تردید نگاه کنیم و همین موضوع، ضرورت چنین تحقیق تطبیقی را بیشتر مشخص می کند. همچنین لازم به ذکر است که توصیف لباس زنان عصر صفویه به وسیله اروپاییان بسیار دشوار بوده است ؛ زیرا زنان ایرانی عموماً پرده‌نشین بودند و در اندرونی بسر می‌بردند و آنگاه که در انظار عمومی ظاهر می‌شدند چادری بر سر داشتند که همه جای بدنشان را می‌پوشاند . همچنین سیاحان اروپایی کمتر قادر بودند که از تن پوش‌های شاهزادگان درباری مطالبی را در سفرنامه‌های خود بنویسند زیرا به‌راحتی نمی‌توانستند وارد دربار شوند به طوری که یک افسر فرانسوی به نام گاسپارد درووبل[1] در سفرنامه خود می ویسد : « چه بسا اروپائیانی که گذرشان به ایران می‌افتد و حتی سالیان درازی در این کشور بسر می‌برند ، بی آنکه حتی یک بار چشمشان به چهره زنان ایرانی افتد . برای دیدار رخسار جنس لطیف ایرانی ، مرد اروپایی به‌ناچار باید آشنایی داشته باشد تا به وسیله آن راهی به‌سوی دربار باز کند . ولی چنین موهبتی بسیار به دشواری و به ندرت نصیب غربی‌ها می‌شود . از اینجا چنین برمی‌آید که بعضی از سفرنامه نویسان اگر هم مطالبی درباره زنان ایران نوشته‌اند ، مرجعی جز توهمات و پندارهای خویش نداشته‌اند و چنان‌که شاردن[2] خود معترف است مطالب مربوط به زنان را از زبان خواجه سرایان درباری شنیده است » (درووبل، ۱۳۸۹: ۸).

پیشینه تحقیق

اشاره به دو نوع پژوهش برای پیشینه این تحقیق لازم است : دسته اول پژوهش‌هایی هستند که به بررسی پوشاک ایرانی پرداخته‌اند مانند کتاب تاریخ لباس ایران (رنجدوست ، ۱۳۸۷)، کتاب هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی (غیبی،۱۳۹۱) ، کتاب تاریخچه پوشش سر در ایران ، (شهشهانی، ۱۳۷۴) و کلیه پایان‌نامه‌هایی که مرتبط با پوشاک صفویه هستند . دسته دوم ، برخی تحقیقات و پژوهش هایی هستند که در مورد سفرنامه‌های دوران صفوی انجام‌گرفته است مانند کتاب بررسی سفرنامه‌های دوره‌ی صفوی (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵)، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه های اروپاییان(سیبیلا، ۱۳۶۴) ،کتاب زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی (مهرآبادی ، ۱۳۸۶) و کلیه پایان‌نامه ها و پژوهش‌هایی که به نحوی مرتبط با سفرنامه‌های دوره صفویه هستند .

لازم به ذکر است کتاب تاریخ لباس ایران فاقد هرگونه تصویر است و کتاب هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی هم به بررسی پوشاک باستان تا دوره قاجار پرداخته و طبعاً به دلیل گستردگی مطالب ، خیلی گذرا به مقوله پوشش زنان در دوره صفویه پرداخته و به برخی از پوشش‌های بانوان صفویه اشاره نکرده است و کتاب تاریخچه پوشش سر در ایران نیز فقط به مقوله پوشش سر اشاره کرده و به سایر پوشش‌ها نپرداخته است . در این مقاله سعی شده به تمام پوشش‌های بانوان صفویه پرداخته شود و حتی با تطابق تصاویر سفرنامه‌ها و نگاره‌ها ، در بعضی موارد به تغییر و تحول پوشش‌ها مانند قبای بانوان نیز اشاره شود . ضمنا در این مقاله اولویت بررسی سفرنامه‌ها، بیشتر سفرنامه‌هایی است که توسط سفرنامه نویسان اروپایی نوشته شده است.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع بنیادی و نظری است و از روش تطبیقی استفاده شده است . اطلاعات مربوط به این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مشاهده آثار نگارگران دوره صفویه تهیه شده است . اطلاعات مربوط به پوشش زنان از سفرنامه‌های دوره صفویه گردآوری و استخراج شده و همچنین تصاویر کتاب های نگارگری مربوط به پوشش زنان این دوره کپی و اسکن شده است . اطلاعات این منابع با روش تطبیقی مقایسه شده و در نهایت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به عمل آمده است.

دلایل ارتباط اروپاییان با ایران عصر صفوی

دو واقعه مهم در آسیا باعث توجه مضاعف اروپا به ایران شد. یکی از این وقایع ، تحکیم حاکمیت امپراتوری عثمانی بر مناطق تحت سلطه امپراتوری روم شرقی و فتح قسطنطنیه بود. فتح قسطنطنیه توسط محمد فاتح عثمانی باعث سد شدن مسیر تجاری اروپا با شرق و وحشت حاکمان آن قاره از حملات بعدی این امپراتوری گشت و اروپا را برای پیدا کردن متحدی در نزدیکی مرزهای عثمانی به تکاپو واداشت (شهبازی، ۱۳۸۳: ۲۰). واقعه دیگر را تصمیم شاه اسماعیل در اعلام مذهب تشیع دانسته‌اند ؛ زیرا این اقدام به همان اندازه که مذهبی بود سیاسی نیز محسوب می‌شد ، چراکه با اجرای آن ، ایران شیعه مذهب، رودرروی عثمانی سنی مذهبی قرار می‌گرفت که داعیه خلافت برجهان اسلام را داشت. این امر باعث تشدید دشمنی بین ایران صفوی و عثمانی شد (جایز، ۱۳۸۶: ۶۷). این وقایع بعلاوه مسائل اقتصادی و سیاسی باعث ارتباط روزافزون اروپاییان با ایران گشت.

پوشش زنان صفوی

پوشش زنان صفوی در کل به سه بخش قابل‌تقسیم است که عبارت‌اند از: پوشش سر، پوشش تن و پوشش پاکه هر یک از این‌ها نیز به نوبه خود دارای زیرشاخه می‌باشند ؛ که در ادامه تک تک این زیرشاخه ها را بررسی خواهیم کرد.

پوشش سر

پوشش سر بانوان دوره‌صفویه را می‌توان به هفت قسمت تقسیم کرد که عبارت‌اند از: چادر، مقنعه ، روسری، روبند، دستمال سه گوش یا لچک، پیشانی‌بند، کلاه.

چادر

شاردن در سفرنامه خود می‌نویسد: «زنان آنگاه که آهنگ بیرون شدن از خانه می کنند، با چادر سفید سراسر اندام خود را از سرتاپا می پوشانند»(شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۵)؛و اولئاریوس[3] می‌نویسد: «زنان وقتی که از خانه خارج می‌شوند، چهره خود را نشان مردان نمی‌دهند، بلکه چادر سفیدی روی سر می‌ندازند (تصویر ۱) که تمام بدن آن‌ها را تا مچ پا می‌پوشاند» (اولئاریوس، ۱۳۶۹: ۶۴۴).

کاتف[4] می‌نویسد: «زنان در بیرون از خانه خود را به متقال نازکی می‌پیچند که چشم و صورت آن‌ها پیدا نیست» (کاتف، ۲۵۳۶: ۸۴)؛ و دلاواله[5] در سفرنامه خود اشاره می‌کند: «زنان موقعی که بیرون می‌روند تمام بدن و چهره خود را به نحوی که در سوریه نیز مرسوم است، با پارچه سفیدی می‌پوشانند و سوار بر اسب می‌شوند (تصویر ۲) که دهنه آن غالباً در دست

تصویر ۱. چادر، بخشی از نگاره پیرزن و بزاز، اثر رضا عباسی (سودآور، ۱۳۸۰: ۲۷۸)

تصویر ۲.چادر (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۰)

یک مستخدم است، ولی ممکن است شخصاً نیز دهنه را در دست بگیرند» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۴۷).

دکتر میترا مهرآبادی در کتاب زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، در مورد حجاب زنان می‌نویسد: «در زمان شاه‌عباس بزرگ صفوی در سفرنامه برادران شرلی[۶] آمده، زن ها در مجموع، زیبا هستند؛ چادر و روبند بر سر دارند. به‌طوری که آفتاب، هیچ وقت بر صورت آن ها نمی‌تابد» (مهرآبادی، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

مقنعه

زنان سرخود را کاملاً می‌پوشانند و روی آن پارچه‌ای می اندازند که روی شانه‌هایشان می‌افتد و از جلو، گردن، گلو و سینه شان را می‌پوشاند (تصویر ۳) (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۵).

روسری

روسری زن‌ها شبیه پارچه‌ای است که زنان بغداد هم به کار می‌برند. رنگ روسری‌ها مختلف است (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۴۷).

روبند

چیزی شبیه دستمال است که صورت را می‌پوشاند و روی شقیقه بسته می‌شود و روی این روبند آنجا که چشم است شبکه هایی برای دیدن تعبیه شده است (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۵).در (تصویر ۴) اولین چهره زن با نقاب و چادر (قرن ۱۱ ه.ق.) دیده می‌شود؛ زن، چادر بلندی بر سر دارد که زیر چانه وی بسته شده است (شهشهانی، ۱۳۷۴: ۱۲۵). می‌توان گفت از جمله نوآوری هایی که در دوره صفویه در نوع پوشش زنان به وجود آمد ، حجابی چهارگوش و سفید به نام « روبنده » بود که به بالای چادر متصل می‌شد و روی صورت می‌افتاد. روبند، شکافی کوچک و توری شکل داشت که امکان «دیدن» را فراهم می‌ساخت. همان طور که در تصویر ۵ می‌بینید و بخشی از کار رضا عباسی است زن نیز همانند تصویر ٤ چادر بلندی بر سر دارد که زیر چانه وی بسته شده است.

دستمال سه‌گوش یا لچک

دستمال سه‌گوش، پارچه‌ای سه‌گوش، کوچک و سمبوسه مانند است (تصویر ٦) که در بیشتر مینیاتورها دیده می‌شود. روی دستمال سه‌گوش و یا زیر آن، کلاهک‌هایی می‌گذاشتند که کاملاً موها را می‌پوشانید. شاردن در قسمتی از سفرنامه اش تأکید دارد: «سر زنان را نواری سه‌گوش و هلال مانند آرایش می‌بخشد» (شاردن، ۱۳۷٤: ۸۰۷)

پیشانی‌بند

نوار دیگری که پهنای بیشتر دارد و قسمتی از بالای پیشانی را فراگرفته از پارچه‌ای نازک و ظریف و سنگین بهاست و آن را پیشانی‌بند می‌توان نامید با قلاب‌دوزی یا جواهر زینت می دهند. این تزئینات به نسبت دارایی و تموّل و تمکّن افراد کم یا زیاد می‌شود. به نظر من این زیورها باقیمانده آثار نیمتاجی است که شهبانوهای ایران در زمان باستان بر سر می‌نهاده‌اند. سربند را تنها زنان شوهردار به نشان اینکه زیر فرمان شوهران خود می‌باشند به سر می‌بندند و زنان بی شوهر به‌جای این نیمتاج‌ها، کلاه کوچکی بر سر می‌نهند (شاردن، ۱۳۷٤: ۸۰۷).

تصویر ۳. بخشی از نگاره، روبند با مقنعه (غیبی، ۱۳۹۱: ۴۳۸)

تصویر ۴.روبند با چادر (شهشهانی، ۱۳۷۴: ۱۲۵)

تصویر ۵ـروبند با چادر، بخشی از یک نگاره، اثر رضاعباسی (آداموا، ۱۳۸۶: ۱۶۶)

سانسون[۷] در مورد پیشانی‌بند بانوان می‌گوید: «زنان پیشانی خود را با پیشانی‌بندی به پهنای سه انگشت که با طلا، میناکاری شده و با یاقوت و الماس و مروارید، مرصع است می‌پوشانند، حاشیه ملیله دوزی شده دور آن را که بر روی پیشانی آویزان است، با سکه‌های طلای ونیز زینت می‌دهند؛ و به این نحو جلوه‌ای بسیار دل‌انگیز به آن می‌بخشند» (سانسون، ۱۳۷۷: ۷۹). همچنین زنان روستایی نواری روی مقنعه و چادر از روی پیشانی می‌بستند (شهشهانی، ۱۳۷٤: ۱۱۸). یک نوع از سربندهای که زنان اشراف دوره صفویه از آن استفاده می کردند نیم تاج مثلثی شکل با بافت زربفت (تصویر ۷) بود که با انواع روبنده‌ها پوشیده می‌شدند (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۲۰۸).

کلاه

تاورنیه[۸] سیاح فرانسوی در مورد کلاه زنان در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «زنان کلاه کوچک بلندی مانند برجی کوچک بر سر دارند (تصویر ۸) و آن را بنا بر شأن یا بضاعت خود با جواهرات زینت می‌دهند. بعضی از زنان از پشت این کلاه، چادری ابریشمی می‌آویزند که به آن‌ها لطف و ملاحت فراوان می‌بخشد» (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۹۹)؛ و جملی کاری[۹] جهانگرد ایتالیایی اضافه می‌کند: «زن‌های ایرانی کلاهکی روی سر می‌گذارند، دور کلاهک زنان ثروتمند سکه‌های طلا و نقره و سنگ های قیمتی دوخته می‌شود» (کاری، ۱۳۸۳: ۱۶۰).

سانسون که در زمان شاه سلیمان به ایران سفر کرده بود در مورد نوع خاصی از کلاه زنان می‌نویسد: « سر زنان را کلاهی می‌پوشاند که با رشته‌های طلا در آن قلاب دوزی شده است و شالی بسیار زیبا و نفیس از پارچه‌ی زری به دور آن پیچیده اند (تصویر ۹) و دنباله‌آن در عقب سر آن‌ها تا حد کمربند رها شده و این سو و آن سو می‌رود» (سانسون، ۱۳۷۷: ۷۸).

پوشش تن

تن پوش بانوان صفویه را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد که عبارت‌اند از: پیراهن (تونیک)، قبا، نیم تنه بلند یا کلیجه، شال کمر و کمربند.

پیراهن (تونیک)

پیراهنشان که قمیص نام دارد و شاید کلمهٔ شمیز Chemise به معنی پیراهن یا پوشه از آن آمده باشد، (تصاویر ۱۰ و ۱۱) از جلو تا ناف باز است (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۵).

در بعضی از مینیاتورها ، یقه بسیار باز این لباس که از آن برای شیر دادن استفاده می‌شد ، به وضوح از زیر ردای بلندی که با دو یا سه گره در قسمت جلو و پایین بسته می‌شد، یا از زیر ردای یقه هفت ، دیده می‌شود.

قبا

لباس نسبتاً بلندی است که در تابستان زیر آن جلیقه به تن نمی‌کنند . قسمت بالای این لباس چسبان و کمر آن تنگ است و دو یقه آن روی یکدیگر قرار می‌گیرند . لبه چپ لباس

تصویر ۶.دستمال سه‌گوش، بخشی از یک نگاره (رجبی، ۱۳۸۴: ۵۲۶)

تصویر۷.پیشانی‌بند، بخشی از نقاشی دیواری چهل‌ستون اصفهان (آقاجانی و جوانی، ۱۳۸۶: ۵۶)

روی لبه راست واقع می‌شود و در چهار محل با بند گره می‌خورد . آستین لباس باریک و بلند و مچ آن چین‌دار و فاقد دگمه و سرآستینان دارای شکاف است . از کمربند به پایین ، بالاپوش فراخ می‌شود و تا وسط ساق پا ادامه پیدا می‌کند (تصویر ۱۲)، ولی درعین حال پنبه دوزی داخل آن باعث میشود صاف بایستد . جنس این لباس از نوع قماش هندی است و یکرنگ

تصویر۸. کلاه بانوان صفویه (شریعت پناهی، ۱۳۷۲: ۴۳)

تصویر۱۰. پیراهن، بخشی از یک نگاره (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۱۵)

بیشتر در آن به کار نمیرود و منتهی هرچه بیشتر غیرعادی و زننده باشد ، بیشتر جلب توجه می‌کند و موقعی که نو است به اطلس شباهت دارد و میدرخشد (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۴۳).

کلیجه یا نیم‌تنه بلند

نیم تنه زنان از کلیجه مردان بلندتر است و تقریباً تا مچ پایشان می رسد (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۵). همان‌طور که در

تصویر۹. یک نوع کلاه بانوان صفویه (سانسون، ۱۳۷۷: ۳۶)

تصویر ۱۱ ـ زنی با آینه، اثر رضا عباسی (متین،۱۳۸۳:۵۰)

تصویر می‌بینید کلیجه نیم‌تنه چسبانی بود که با دامن بلندی که داشت، زیر قبا پوشیده می‌شد؛ (تصاویر ۱۳و ۱۴) گاهی بلندی دامن این کلیجه‌ها به اندازه دامن قبا ها بود (غیبی، ۱۳۹۱: ۴۳۲).

شال کمر و کمربند

با توجه به تصاویر نگارگری می‌بینیم (تصویر ۱۵) زنان نیز مانند مردان بر روی قبا شال کمر می‌بستند. کمربند زنان از کمربند مردان باریک‌تر می‌باشد و پهنای آن از یک شست درنمی‌گذرد (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۵)؛ اما سانسون از کمربند های پهن‌تر در سفرنامه‌اش سخن به میان می آورد و می‌گوید: «زنان کمربندی به پهنای چهار انگشت که با تیغه‌های طلا میناکاری و زینت شده به کمر می بندند. بر روی این ورقه‌های طلا قلم زنی کرده ند و بیشتر اوقات با سنگ های گران بها آن را زیب و زینت می‌کنند» (سانسون، ۱۳۷۷: ۷۹)

پوشش پا

پوشش پای بانوان صفویه را در این قسمت به سه بخش تقسیم می‌کنیم که شامل: شلوار، کفش، جوراب خواهد بود.

شلوار

تمام زنان و دختران شلوار به پا می‌کنند. (کاتف، ۲۵۳۶: ۸۴) و زن‌ها شلواری که به پا می‌کنند (تصویر ۱۶) آن‌قدر بلند است که تا زیر قوزک پایشان را می‌پوشاند (سانسون، ۱۳۷۷: ۷۹).

کفش

به‌طور کلی کفش مرد و زن ایرانی در دوره صفویه شبیه یکدیگر است. فیگوئروا[۱۰] توضیحات جالب‌توجهی از کفش های مردان و زنان دوره شاه عباس اول در سفرنامه خود ذکر می‌کند: «کفش های مرد و زن، چرمی و به رنگ های مختلف است، با جنس بسیار سخت و سفت و رویه‌های کوتاه ، به‌طوری‌که همچون کفش سرپایی داخل منزل ، پوشیدن و درآوردن آن‌ها بسیار آسان است . با اینکه غالب کفش ها نوک باریک‌اند و قسمت جلو آن‌ها از عقب بلندتر است، میخ های ریز بسیاری به تخت آن‌ها زده شده است» (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۵۷).

کفش زنان هم متفاوت با کفش مردان نیست. کفش ایرانی ها از ساغری و تیماج است و اندکی شبیه کفش راحتی زنان ما با نعلی کوچک در پاشنه آن است، زیرا کفش آن‌ها یکپارچه است و بند ندارد و به پا نمی چسبد، زیرا آن‌ها باید پیوسته کفش را از پا درآورند تا روی قالی ها راه بروند. این نوع کفش برای آن ها خیلی راحت‌تر از کفش های ماست که بند دارد و به پا می‌چسبد (تاورنیه،۱۳۸۳: ۲۹۹-۲۹۷).

جملی کارری می‌نویسد : بلندی چکمه‌های ایرانی تا کمی بالاتر از مچ پا می‌رسد و غالباً این چکمه‌ها را ظریف، چسبان و خوش‌ترکیب می‌دوزند (کارری، ۱۳۸۳: ۱۵۹)؛ و نیز می‌افزاید

تصویر۱۲. قبا (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۶)

تصویر۱۳. بخشی از نگاره اسکندر و روشنک و بزم، کلیجه زیر قبا، معین مصور (غیبی، ۱۳۹۱: ۴۳۰)

تصویر۱۴.کلیجه زیر قبا (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۶)

: «کفش‌های زنان شبیه کفش‌های مردان، منتها بارنگ های گوناگون و ظریف‌تر است» (همان: ۱۶۰).

برای آشنایی بیشتر با کفش‌های این دوره، به نمونه‌های تصویری زیر توجه شود. یک مرد ایرانی عهد صفویه، در (تصویر ۱۷) و زن ایرانی آن دوره نیز در (تصویر ۱۸) مشاهده می‌شود. در هر دو تصویر، کفش ها از نوع راحتی یعنی بدون قسمت پشت و با رویه‌ای بلند با برشی هشت گونه بر روی سینه پا هستند. در تصویر ۱۹ دختر جوانی در حال حمل کوزه طراحی‌شده است. طرح هشتی شکل و خلاقانه آن در طرفین کفش ایجاد شده است. درحالی‌که در تصاویر ۱۷، ۱۸ و ۲۰ برش هشتی شکل روی سینه‌کفش است.

در (تصویر ۲۱)، طرحی از یک مرد قزلباش مربوط به دوره شاه سلیمان صفوی از سفرنامه‌سانسون را مشاهده می کنید که کفش‌های پاشنه بلند با نوک تیز به پا دارد. چنین کفش های پاشنه بلند، در پای یک زن ایرانی از سفرنامه سانسون نیز دیده می‌شود (تصویر ۲۲).

نگاره بعدی مربوط به نسخه خمسه طهماسبی است که پیرزنی در حال اعتراض به سلطان سنجر سلجوقی است (تصویر ۲۳). همان‌طور که مشاهده می‌شود پیرزن نیم چکمه چرمی پاشنه‌دار به پا دارد؛ و در بخشی از نگاره شاه عباس و خان عالم، شخصیتی را می‌بینید که نیم‌چکمه ای از نوع ساده و کف تخت به پا دارد(تصویر ۲۴).

در نگاره دیدار خسرو و شیرین اصفهان هر دو شخصیت برجسته داستان، چکمه‌های ساق بلندی از نوع پاشنه‌بلند به پا کرده‌اند (تصویر ۲۵). همان‌گونه که در تصویر مشاهده می‌شود میان چکمه‌های آن‌ها تفاوتی وجود ندارد. در (تصویر ۲۶) بانوان دوره صفویه را مشاهده می کنید که کفش پاشنه بلند به پا کرده‌اند.

با توجه به نکات گفته شده در سفرنامه‌ها و نگاره های موجود از دوره‌ی صفویه ، می‌توان تشخیص داد که انواع کفش های بدون ساق ، در دو نوع پاشنه دار، بدون پاشنه ، نوک‌تیز و در فرم کفش‌های راحتی کاربرد داشته است . البته این به معنای عدم استفاده از نیم‌چکمه ، نیم‌چکمه‌بنددار یا چکمه‌های سوارکاری نیست، بلکه در برهه‌ای از تاریخ صفویه با توجه به اسناد و تصاویر موجود از این نوع کفش‌ها نیز استفاده می‌شده است.

جوراب

زنان جوراب نمی‌پوشند . آنان پای خود را با پارچه‌ای که به شکل نیم چکمه دوخته اند می‌پوشانند . این نیم‌چکمه

تصویر۱۵. شال کمر (رجبی، ۱۳۸۴: ۴۶۷)

تصویر۱۶. شلوار زنانه، تولد زال، اثر میرمصور، شاهنامه طهماسبی (رجبی، ۱۳۸۴: ۲۴۷)

تصویر۱۷. کفش راحتی مردان صفویه (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۷۸)

تصویر۱۸. کفش راحتی بانوان صفویه (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۵۹)

تصویر ۱۹. کفش زنی که کوزه ای بر شانه‌اش حمل می‌کند، اثر محمدحسین (سودآور، ۱۳۸۰: ۲۹۷)

تصویر۲۰. بانوی خیال‌پرداز، اثر رضا عباسی (کنبای، ۱۳۸۴: ۲۲۲)

تصویر۲۱. مرد قزلباش با کفش‌های بدون ساق و پاشنه‌بلند (سانسون، ۱۳۷۷: ۳۵)

که تا چهار انگشت بالای قوزک پایشان می‌رسد ، از پارچه قشنگ و گران قیمت درست شده و یا نوعی کاردستی است (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۵). کاتف در سفرنامه خود می‌نویسد : «زنان جوراب های ساق بلند ماهوتی رنگ و کفش بر پا دارند ، ولی برخی از زنان جوراب های ساق بلند مخملی می‌پوشند » (کاتف، ۲۵۳۶: ۸۴). کاملاً واضح است ، جوراب ساقه بلندی که کاتف مطرح کرده با نیم چکمه پارچه‌ای (تصویر ۲۷) که شاردن توصیف کرده، یکی است.

تصویر ۲۲. زن قزلباش با کفش‌های بدون ساق و پاشنه‌بلند (سانسون، ۱۳۷۷: ۳۶)

تصویر ۲۳. بخشی از نگاره پیرزن و سطان سنجر، خمسه نظامی، منسوب به سلطان محمد (کنبای، ۱۳۸۱: ۸۱)

تصویر ۲۴. کفش، بخشی از نگاره شاه‌عباس و خان عالم، اثر رضا عباسی (آژند، ۱۳۸۹: ۴۹۲)

تصویر ۲۵.چکمه ساق بلند پاشنه‌بلند در پای زن و مرد، بخشی از نگاره دیدار خسرو و شیرین در کوهستان، محمدقاسم (آژند، ۱۳۸۹: ۶۴۱)

تصویر ۲۶.کفش پاشنه‌بلند، بخشی از نگاره اسکندر و روشنک و بزم، معین مصور (غیبی، ۱۳۹۱: ۴۳۰)

تصویر۲۷. جوراب زنانه به شکل نیم چکمه منسوج(یارشاطر، ۱۳۸۳: ۲۰۶)

جدول ۱. مطالعه تطبیقی پوشش زنان در سفرنامه‌ها با نگاره‌های دوره صفویه

عنوان	تصاویر در سفرنامه‌ها	تصاویر در نگاره‌ها	توضیحات
شباهت کلاه عرقچین مانند بانوان در سفرنامه‌ها و نگاره‌ها	(تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۹۲)	(تحویلیان، ۱۳۸۷: ۵۵)	به شباهت کلاه این دو بانوی صفویه که یکی از سفرنامه تاورنیه گرفته‌شده و دیگری تابلوی بانوی ایستاده،کار افضل الحسینی در مکتب اصفهان است، دقت کنید.
تفاوت قبای زنان صفویه در سفرنامه‌ها و نگاره‌ها	(شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۶)	(آژند، ۱۳۸۹: ۶۴۱)	در ابتدا زنان صفویه قبای بلندی می پوشیدند که تا ساق پای آن‌ها می رسید؛ اما با ورود اروپاییان، قبای زنانه به تقلید از لباس آن‌ها بسیار کوتاه‌تر شد و تا بالای زانو رسید. این تفاوت قبا، در تصاویر مربوط به سفرنامه ها و نگاره‌ها به‌وضوح دیده می‌شود.

ادامه جدول ۱. مطالعه تطبیقی پوشش زنان در سفرنامه‌ها با نگاره‌های دوره صفویه

عنوان	تصاویر در سفرنامه‌ها	تصاویر در نگاره‌ها	توضیحات
شباهت کلیجه زیر قبای بانوان در سفرنامه‌ها و نگاره‌ها	(شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۶)	(غیبی، ۱۳۹۱: ۴۴۲)	در این تصاویر شباهت کلیجه زیر قبا که یکی مربوط به سفرنامه شاردن است و دیگری بخشی از نگاره اسکندر و روشنک و بزم، کار معین مصور می‌باشد، مشاهده می‌شود.
چادر زنان صفویه	(شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۶)	(سودآور، ۱۳۸۰: ۲۷۸)	زنان هنگام بیرون رفتن از خانه، چادر بزرگ سفیدرنگی به سر می‌کردند که تمامی بدن آنان را می‌پوشاند و فقط جلوی صورت باز می‌ماند که به‌وسیله آن می توانستند پیش روی خود را ببینند.
شباهت شلوار زنان صفویه در سفرنامه‌ها و نگاره‌ها	(فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۵۹)	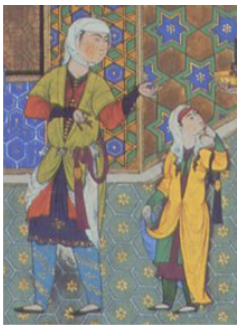 (رجبی، ۱۳۸۴: ۲۴۷)	شلوار زنان صفویه هم در سفرنامه ها و هم در نگاره ها بلند بود و تا پاشنه پا می رسید.
شباهت کفش پاشنه‌بلند زنان صفویه در سفرنامه‌ها و نگاره‌ها	(سانسون، ۱۳۷۷: ۳۶)	(غیبی، ۱۳۹۱: ۴۳۰)	طرحی از یک زن قزلباش با کفش های پاشنه‌بلند مربوط به دوره شاه سلیمان صفوی در سفرنامه سانسون دیده می‌شود. نمونه‌های از کفشهای پاشنه‌بلند در بخشی از نگاره اسکندر و روشنک و بزم، کار معین مصور در مکتب اصفهان مشاهده می گردد.

ادامه جدول ۱. مطالعه تطبیقی پوشش زنان در سفرنامه‌ها با نگاره‌های دوره صفویه

عنوان	تصاویر در سفرنامه‌ها	تصاویر در نگاره‌ها	توضیحات
کفش راحتی زنان صفویه در سفرنامه‌ها و نگاره‌ها	(فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۵۹)	(سودآور، ۱۳۸۰: ۲۹۷)	تصویر بانویی که از سفرنامه فیگوئروا گرفته شده، دارای کفشی از نوع راحتی یعنی بدون قسمت پشت و دارای رویه‌ای بلند با برشی هشتی شکل بر روی سینه کفش است و در تصویر دختری در حال حمل کوزه، طرح هشّتی شکل و خلاقانه آن در طرفین کفش ایجادشده که نشان‌دهنده اوج خلاقیت طراح کفش در اواخر صفویه است.

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

مندرس شدن البسه باقی مانده از دوره صفویه به دلیل طبیعت فرسودنی ابریشم های ظریف و پنبه‌ها، از بین رفتن البسه به دلیل پاره کردن پوشاک سلطنتی سلاطین و شاهزادگان به‌منظور یافتن طلا و نقره به‌کاررفته در آن‌ها و همچنین بی‌اعتنایی به پوشاک سنتی آن دوره با ورود فرهنگ غربی باعث شده که دسترسی به تن‌پوش بانوان دوران صفویه مشکل باشد. لذا برای بررسی تن‌پوش‌های زنان صفویه، باید از سفرنامه‌ها و نگاره‌ها استفاده نمود. با بررسی سفرنامه‌ها و نگاره‌ها در این مقاله می‌توان چنین ارزیابی کرد که در اکثر مواقع بین توصیفات سفرنامه‌ها در مورد تن پوش‌های زنان با نگاره‌های موجود از دوره صفویه انطباق کامل وجود دارد که نمونه‌های آن بسیار زیاد است. البته مطالب سفرنامه‌ها در برخی موارد به دلایلی مانند تغییر و تحول پوشاک صفویه قابل اطمینان نیست، مثلاً دلاواله در مورد قبای بانوان صفویه عنوان می‌کند که زنان صفویه قبای بلندی می‌پوشیدند که تا ساق پای آن‌ها می‌رسید، اما در برخی از نگاره‌ها می‌بینیم که قبا به تقلید از لباس اروپاییان بسیار کوتاه‌تر شده و تا بالای زانو رسیده است. در طراحی کفش‌های راحتی زنان نیز چنین اتفاقی افتاده است. در تصاویر سفرنامه‌ها، کفش راحتی بانوان یعنی بدون قسمت پشت و با برشی هشتی شکل بر روی سینه کفش وجود دارد ؛ درحالی‌که در برخی از نگاره‌های اواخر صفویه ، طرح هشتی شکل و خلاقانه آن در طرفین کفش ایجاد شده که این نشان دهنده خلاقیت طراحان کفش می‌باشد که تنها با دیدن نگاره‌ها به خلاقیت آن‌ها پی می‌بریم . به همین دلیل مطالب سفرنامه‌ها به تنهایی برای بررسی پوشش زنان صفویه کافی نیستند ، بلکه در کنار نگاره‌ها می‌توانند اسنادی معتبر تلقی شوند .

پی‌نوشت

1. Gaspard Drouville

گاسپارد درووِیل یک افسر فرانسوی بود که در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار و ولایت عهدی عباس میرزا در ایران اقامت داشت.

2. (Jean) John Chardin

شاردن سیاح مشهور فرانسوی که در نزد شاه‌عباس دوم به‌قدری عزت و احترام پیدا کرد که به«تاجر باشی» ملقب شد وی به زبان فارسی تسلط داشت.

3. Adam Olearius

آدام اولئاریوس آلمانی از سوی فردریش سوم به‌منظور مذاکره اقتصادی با دولت صفوی درباره‌ی تجارت ابریشم به ایران آمد.

4. Fedot Afanas Yevic Katof

در سال ۱۶۲۳م. فدت آفاناس یویچ کاتف به‌عنوان تاجری که اجناس تزاری را دادوستد می‌کند، با کالاهای دولتی روسیه، از طریق استرخان (در زمان سلطنت شاه‌عباس اول) راهی ایران شد.

5. Pietro Della Valle

پیترو دلاواله یکی از مشهورترین سیاحان و جهانگردان ایتالیایی که در زمان شاه‌عباس اول به ایران سفر کرده است.

6. Anthony Shirley

آنتونی شرلی به همراه برادرش رابرت شرلی از طبقه اشراف انگلستان بودند که در پی تحصیل و شهرت با جمعی از انگلیسی‌ها در زمان شاه‌عباس به ایران آمدند.

7. Sanson

سانسون کشیش فرانسوی که به‌منظور تبلیغ و انتشار دین مسیح به ایران آمد، وی در زمان شاه سلیمان صفوی در ایران بود.

8. Jean-Baptist Tavernier

تاورنیه سیاح فرانسوی که بیش از نه بار ایران را دیده است و اولین سفر وی در زمان شاه صفی و سفرهای دیگرش در زمان شاه‌عباس دوم و شاه سلیمان انجام گرفت.

9. Giovanni Francesco GemelliCareri

جملی کاری جهانگرد ایتالیایی که در زمان شاه سلیمان به ایران آمد و در مراسم تاج‌گذاری شاه سلطان حسین صفوی شرکت کرد.

10. Don Garcia de Silva Figueroa

دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا سفیر فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا، در دربار شاه‌عباس اول بود.

منابع و مآخذ

- آداموواا،آدل. (آ.ت.). (۱۳۸۶). **نگاره‌های ایرانی گنجینه آرمیتاژ سده پانزده تا نوزده میلادی**. زهره فیضی،چاپ اول،تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آژند،یعقوب. (۱۳۸۹).**نگارگری ایران (پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران)**.چاپ اول،تهران: سمت.
- آقاجانی اصفهانی،حسین و جوانی،اصغر. (۱۳۸۶). **دیوارنگاری عصر صفویه در اصفهان**. چاپ اول،تهران: فرهنگستان هنر.
- اولئاریوس،آدام. (۱۳۶۹).**سفرنامه آدام اولئاریوس (اصفهان خونین شاه صفی)**. مهندس حسین کردبچه،جلد دوم،تهران: کتاب برای همه.
- تاورنیه،ژان باتیست. (۱۳۸۳).**سفرنامه تاورنیه**. حمید ارباب شیروانی،چاپ اول،تهران: نیلوفر.
- تحویلیان،حسین. (۱۳۸۷). **مکتب نقاشی صفوی اصفهان**. چاپ اول،اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- جایز،مژگان و کریمیان،حسن. (۱۳۸۶). تحولات ایران عصر صفوی و نمود آن در هنر نگارگری،**دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی**،(۷)،۸۸ـ۶۵.
- جملی کاری،جووانی فرانچسکو. (۱۳۸۳). **سفرنامه کاری**. عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ،چاپ دوم،تهران: علمی و فرهنگی.
- دانش‌پژوه،منوچهر. (۱۳۸۵).**بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی**. چاپ اول،اصفهان: فرهنگستان هنر و دانشگاه اصفهان.
- دروویل،گاسپار. (۱۳۸۹). **سفرنامه دروویل**. جواد محبی،چاپ اول،تهران: نیلوفرانه.
- دسیلوفیگوئروا، دن گارسیا. (۱۳۶۳).**سفرنامه دن گارسیادسیلوفیگوئروا**. غلامرضا سمیعی،تهران: نو.
- دلاواله،پیترو. (۱۳۷۰).**سفرنامه پیترودلاواله**. شعاع‌الدین شفا،چاپ دوم،تهران: علمی و فرهنگی.
- رجبی، محمدعلی. (۱۳۸٤). **شاهکارهای نگارگری ایران**. چاپ اول، تهران: موزه هنرهای معاصر ایران.
- رنج دوست، شبنم. (۱۳۸۷). **تاریخ لباس ایران**.چاپ اول، تهران: جمال هنر.
- سانسون،پر،اس،ان. (۱۳۷۷).**سفرنامه سانسون (وضع کشور ایران در عهد شاه سلیمان صفوی)**. محمد مهریار، چاپ اول، اصفهان: گل‌ها.
- سودآور، ابوالعلاء. (۱۳۸۰). **هنر دربارهای ایران**. ناهید محمد شمیرانی. چاپ اول، تهران: کارنگ.

- سیبیلا، شوستروالسر. (۱۳۶۴). **ایران صفوی ازدیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان**. غلامرضا ورهرام. چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- سیوری، راجر. (۱۳۷۲). **ایران عصرصفوی**. کامبیز عزیری. چاپ اول، تهران: مرکز.
- شاردن، جان. (۱۳۷٤). **سفرنامه شوالیه شاردن**. اقبال یغمایی. جلددوم، چاپ اول، تهران: توس.
- شریعت پناهی، سیدحسام‌الدین. (۱۳۷۲). **اروپایی‌ها و لباس ایرانیان**. تهران: نشرقومس.
- شهبازی، فرزانه. (۱۳۸۳). **بررسی فرهنگ دینی مردم درسفرنامه‌های عصرصفویه**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر مهدی فراهانی منفرد. دانشگاه الزهراء تهران.
- شهشهانی، سهیلا. (۱۳۷۴). **تاریخچه پوشش سردر ایران**. چاپ اول، تهران: انتشارات مدبر.
- غیبی، مهرآسا. (۱۳۹۱). **هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی**. چاپ چهارم، تهران: هیرمند.
- کاتف، فدت آفاناس یویچ. (۲۵۳۶ شاهنشاهی). **سفرنامه فدت آفاناس یویچ کاتف**. محمدصادق همایون‌فرد. تهران: شرکت دیا استریپ.
- کنبای، شیلا. (۱۳۸۱). **نگارگری ایرانی**. مهنازشایسته‌فر. چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات هنراسلامی.
- _____ (۱۳۸۴). **رضا عباسی اصلاح‌گر سرکش**. یعقوب آژند. چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- متین، پیمان. (۱۳۸۳). **پوشاک ایرانیان**. چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مهرآبادی، میترا. (۱۳۸۶). **زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی**. چاپ دوم، تهران: آفرینش.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۸۳). **پوشاک درایران‌زمین (ازسری مقالات دانشنامه ایرانیکا،۱)**. پیمان متین. چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

Received: 2017/01/03/
Accepted: 2017/05/14

A Comparative Study of Women's Clothing in Travelogues and Paintings of the Safavid Period

Mansour Vali Ghojogh* **Hossein Mehrpouya****

Abstract

One of the historical events which was more pronounced in the Safavid period and had a significant effect on Safavid clothing was the arrival of Europeans in Iran which marked a part of the Safavid written history through their travelogues. In addition to travelogues, the paintings of that period can also be used for investigating the Safavid women's clothing. Using a comparative study, this article tries to investigate how the images and different issues related to Safavid women's clothing were reflected in paintings and travelogues of the very era. Therefore, the most important travelogues on women's clothing written in Safavid period have been studied and their contents have been compared with Safavid paintings. This is a theoretical study which seeks to answer the following questions by applying comparative method and using library resources as well as studying the contents of travelogues and paintings: How has Safavid women's clothing been reflected in travelogues and the paintings of this period and how much are they matched with each other? Also why travelogues should be used along with paintings for investigating the Safavid women's clothing? One of the reasons to take advantage of travelogues along with paintings is the lack of women's garment due to worn-out silk and cotton used in them, changes in women's clothing due to the arrival of Western culture and so on. The research findings indicate that the contents of travelogues are not reliable in some cases due to changes of Safavid clothing. For example, women's cassock in travelogues' pictures is up to their leg whereas in some figures we see that cassock became much shorter and reached above the knee. A similar case happened in the design of women's comfortable shoes and because of this the contents of travelogues alone are not enough to investigate Safavid women's clothing but they can be considered as valid documents along with paintings.

Keywords: Safavid painting, paintings, travelogues, women's clothing

* MA in Art Studies, University of Sistan and Baluchestan.
** Assistant Professor, Faculty of Arts and Architecture, University of Sistan and Baluchestan.